

## رابطه بین تماشاگر خیالی و افسانه شخصی با ابعاد الگوهای ارتباط خانواده در نوجوانان شهر اصفهان

اصغر آقایی<sup>۱</sup>

محسن گل پرور<sup>۲</sup>

مهر آفرین عطار حداد<sup>۳\*</sup>

### چکیده

این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین تماشاگر خیالی و افسانه شخصی با ابعاد الگوهای ارتباط خانواده در دانش آموزان پایه سوم دبیرستان شهر اصفهان انجام شد. در این مطالعه که از نوع همبستگی بود ۳۷۹ دانش آموز (۱۹۰ دختر، ۱۸۹ پسر) پایه سوم دبیرستان شهر اصفهان، به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و مقیاس جدید تماشاگر خیالی (NIAS؛ لاپسلی، ۱۹۸۹)، مقیاس جدید افسانه شخصی (NPFS؛ لاپسلی، ۱۹۸۹) و پرسشنامه تجدید نظر شده الگوهای ارتباط خانواده (RFCP)؛ ریچی و فیتز پاتریک، ۱۹۹۰) را تکمیل کردند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد تماشاگر خیالی رابطه مثبت و معناداری با ابعاد الگوهای ارتباط خانواده دارد ( $P < 0/01$ ) و الگوی گفت و شنود را پیش بینی می کند ( $P < 0/01$ ). بین افسانه شخصی با الگوی گفت و شنود ( $P < 0/01$ ) و الگوی همنوایی ( $P < 0/05$ ) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. قدرت مطلق و منحصر به فرد بودن پیش بینی کننده الگوی گفت و شنود هستند ( $P < 0/01$ )، در حالی که تنها منحصر به فرد بودن پیش بینی کننده الگوی همنوایی است ( $P < 0/01$ ).

واژه های کلیدی: تماشاگر خیالی، افسانه شخصی، ابعاد الگوهای ارتباط خانواده

۱. استاد گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران  
۲. دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران  
۳. کارشناس ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)  
mehrafarin1190@yahoo.com.sg

## مقدمه

یافته‌های روان‌شناسی تحولی نشان داده‌اند که در چرخه تحولی روانی فرد آدمی، دوره مهمی وجود دارد که بین دوره کودکی و دوره بزرگسالی قرار می‌گیرد و نوجوانی نام دارد. یعنی نوجوانی معرف دوره تغییر عمیقی است که کودک را از بزرگسال جدا می‌سازد. اما اگر نوجوانی در وهله اول دگرگون شدن و تغییر یافتن است ولی در عین حال دوره شکل‌گیری و مجهز شدن برای مقابله با مسایل زندگی نیز هست (منصور، ۱۳۸۷). یکی از پیشرفت‌های عمده عقلی نوجوان‌ها توانایی اندیشیدن به افکار دیگران است. در اوایل دوره نوجوانی این توانایی می‌تواند به وسواس تبدیل شود. نوجوان تصور می‌کند که همه همیشه به او فکر می‌کنند. در واقع او برای خود یک تماشاگر خیالی درست می‌کند که مرتب و در همه احوال مراقب او است و همه حرکات او را زیر نظر دارد. احساس این که شخص در کانون توجه قرار دارد می‌تواند به احساس مبالغه‌آمیز مهم بودن منجر شود. در اوایل نوجوانی این امر شکل افسانه شخصی پیدا می‌کند. نوجوان خود را منحصر به فرد و موجودی سوای از دیگران می‌بیند، به طوری که احساس می‌کند که مقررات اجتماعی و قوانین طبیعی در مورد سایرین کاربرد دارد و در مورد او به کار نمی‌رود. نوجوان خود را آسیب‌ناپذیر و فنا‌ناپذیر احساس می‌کند (اشتاین برگ، ۱۳۸۷). مطالعات درباره خود محوری نوجوانان اولین بار توسط الکایند (۱۹۶۷) آغاز شد. الکایند تماشاگر خیالی را به عنوان ساختار خود محوری نوجوانان تعریف کرد. نوجوانان با رفتار و ظاهر خود سرگرم هستند و باور دارند که برای دیگران واقعا "جذابیت دارند. احساس مرکز توجه دیگران بودن، باعث شد تا نوجوانان احساسات خود را به سمت تماشاگران خیالی شان ببرند. اگر نوجوان منتقد خود باشد باعث می‌شود تماشاگر خیالی او هم، از او انتقاد کند. با وجود تغییرات فیزیکی و جسمانی بسیار در دوره نوجوانی، نوجوان اغلب فکر می‌کند برخی از اجزا بدن او غیر عادی است و این گونه موارد دایما "تکرار می‌شوند. تماشاگر خیالی هم چنین می‌تواند تحسین‌کننده و خوب باشد. تماشاگر خیالی در حقیقت بسیاری از رفتارهای ناشناخته نوجوانان را در بر می‌گیرد. مانند آن چه لاپسلی (۱۹۹۳) بیان کرده است. تماشاگر خیالی قصد دارد پدیده‌های گوناگونی نظیر: گسترش خود آگاهی نوجوانان، رفتارهای پر زرق و برق و دنبال کردن مد روز، تمایل به داشتن جنبه‌های خصوصی و بی میلی به خود افشاکاری و ارتباط آن با خجالت و کمرویی و شرم را شرح دهد. تمامی این موارد بازتابی از احساسات دایمی نوجوان است در مورد این که توسط دیگران دیده می‌شود و مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌گیرد. افسانه شخصی نتیجه فرعی تماشاگر خیالی است. فکر کردن در مورد این که مرکز توجه هستی، باعث می‌شود که نوجوانان احساس کنند منحصر به فرد و خاص هستند (دیگران جاه طلبی شان را نمی‌شناسند، اما من می‌شناسم، دیگران پیر می‌شوند و می‌میرند، اما من نه، دیگران گرفتار سوء مصرف مواد می‌شوند ولی من نه). به دلیل افسانه شخصی، نوجوانان باور دارند که دارای احساسات و هیجانات متفاوت هستند و نسبت به دیگران قوی تر بوده و سختی‌های بیشتری را می‌توانند تحمل کنند (آلبرت، الکایند و جینز برگ، ۲۰۰۷). محتوای افسانه

شخصی معمولاً شامل آسیب ناپدید بودن (ناتوانی برای آسیب دیدن و صدمه خوردن)، قدرت مطلق (در نظر گرفتن خود به عنوان منبع قدرت یا توانایی خاص) و منحصر به فرد بودن (هیچ کس نمی‌تواند مرا درک کند) است. این نظریه چارچوبی برای شناخت مولفه‌های رشد، ادراک غلط و رفتارهای خطرناک در نظر گرفته می‌شود (آرت، ۱۹۹۲). گالاناکي<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی که بر روی ۳۱۴ نوجوان که در رنج سنی (۱۱-۱۸) سال قرار داشتند، انجام داد، تحولات مربوط به بلوغ و ظهور و ابعاد خود محوری را مورد مطالعه قرار داد. نتایج حاصله، از یافته‌های حاصل از فرضیات الکاینده حمایت کرد و نشان داد تماشاگر خیالی به صورت پیوستاری از خود آگاهی وجود دارد و بین ابعاد مختلف تماشاگر خیالی و افسانه شخصی تفاوت جنسی سیستماتیک موجود است.

دو یافته در مورد افسانه شخصی و تماشاگر خیالی وجود دارد. تئوری قدیمی و تئوری نگاه تازه<sup>۲</sup>. بر اساس تئوری قدیمی (الکاینده، ۱۹۶۷) تماشاگر خیالی و افسانه شخصی به دلیل تغییرات شناختی مهمی در طول دوره رشد است، به ویژه خود محوری که باعث می‌شود بین نظر خود و نظر دیگران تفاوت قایل نشود. در تئوری نگاه تازه (لاپسلی، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳) افسانه شخصی و تماشاگر خیالی را به رشد شناختی عمومی و منطقی ربط نمی‌دهد بلکه آن را به دو الگوی ۱. رشد شناختی اجتماعی<sup>۲</sup>. فرایند جدا شدن و فردیت پیدا کردن مربوط می‌سازد (گوسن، بیروز، ون اکس و ایمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). نوجوانان به ارتباط با والدین خود ادامه می‌دهند در حالی که به طور هم‌زمان می‌کوشند تا از آنها مستقل شوند. این کشش به سمت رابطه و پس‌زدن ارتباط و جدایی، به صورت‌های مختلف در ساختار تماشاگر خیالی و افسانه شخصی عمل می‌کنند (کروجر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸). وقتی نوجوانان خودشان را با تماشاگرانی که خود ساخته‌اند، احاطه می‌کنند، این را ثابت می‌کنند که برای دیگران با اهمیت هستند، در نتیجه بدون در هم شکستن و آسیب دیدن در اثر اضطراب جدایی، از والدین خود جدا می‌شوند. در همین زمان، عقاید نوجوانان در مورد منحصر به فرد بودن، قدرت مطلق و آسیب ناپذیری به آنها قدرت می‌دهد تا بتوانند راه خود را پیش بگیرند. در کل هم تماشاگر خیالی و هم افسانه شخصی به عنوان عملکردهای دفاعی و محافظت‌کننده در طول فرایند فردیت و جدایی محسوب می‌شوند. تماشاگر خیالی با تمایلات نوجوان برای ادامه ارتباط با والدین، رابطه دارد. در حالی که افسانه شخصی بازتابی از تلاش آنها برای بالا بردن جدایی است (گوسن و همکاران، ۲۰۰۲).

ریلی و همکاران (۱۹۸۴) به فاکتورهایی اشاره کردند که ممکن است برای تفاوت در خود محوری به حساب بیایند. ۱. محیط‌های مختلف مدرسه<sup>۲</sup>. میراث نژادی و زمینه اجتماعی که آن نژاد را در بر گرفته<sup>۳</sup>. نگرش درباره نقش‌های جنسیتی<sup>۴</sup>. روابط با هم‌کیشان<sup>۵</sup>. احساسات در

1. Galanaki.

2. new look theory.

3. Gossen, Beyers, Van Eken & Emmen

4. Kroger

مورد تغییرات دوران نوجوانی ۶. روابط والدین و فرزندان ۷. سبک‌های فرزند پروری. هم چنین ممکن است اثر گروه به وجود بیاید. برای مثال یک نسل از نوجوانان ممکن است به گونه‌ای بسیار متفاوت به مقیاس تماشاگر خیالی پاسخ دهند. رفتار تماشاگر خیالی به طور غیرمستقیم نیز از طریق متغیرهای دیگر تاثیر می‌پذیرد، مانند تمرکز رسانه‌ها بر جنبه‌های زودگذر و جسمانی مردان و زنان (فریمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

محققین مختلف بر سر این موضوع که در صورت روابط ایمن والدین، نمرات تماشاگر خیالی در اواخر نوجوانی کاهش می‌یابد، توافق دارند (لاپسلی، ۱۹۹۳؛ آنولیک، ۱۹۸۱؛ ریلی و همکاران، ۱۹۸۴؛ ریان و کوز کوسکی، ۱۹۹۴).

آنولیک (۱۹۸۱) بیان کرد، حمایت محدود والدین در خانواده ممکن است در درک نگرش واقعی دیگران توسط نوجوان ایجاد مشکل کرده در نتیجه باعث بالا رفتن حالت خود محوری در موقعیت‌های اجتماعی می‌شود. او دریافت، رفتار تماشاگر خیالی در مردان متخلف در مقایسه با غیر متخلف بیشتر باقی می‌ماند. او علت این امر را به کم بودن حمایت والدین، نسبت داد. آدامز و جونز<sup>۳</sup> (۱۹۸۲) دریافتند عدم پذیرش و کنترل توسط والدین با بالا رفتن رفتار تماشاگر خیالی در ارتباط است. در صورتی که بیان عواطف به صورت فیزیکی به طور منفی با خود آگاهی در ارتباط است. ریلی و همکاران (۱۹۸۴) نشان دادند، والدین حمایت‌گر و هیجان‌پذیر، احتمال بالا بودن حالت خود آگاهی در اوایل نوجوانی را کاهش می‌دهند. به طور خلاصه، حمایت والدین در تعدیل رفتار تماشاگر خیالی بسیار مهم است چرا که هر دو سبک مصاحبت و عدم پذیرش و کنترل با افزایش نمره‌های تماشاگر خیالی در ارتباط است (فریمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

ارتباط محور اساسی در میزان کارآمدی خانواده است. ارتباط بر دو اصل پرورش و کنترل در خانواده تاثیر به‌سزایی دارد. پرورش شامل رشد ارتباط در میان اعضای خانواده است که از طریق گسترش رفتارهای کلامی و غیر کلامی نوید بخش و حمایت‌کننده، ایجاد می‌شود (لیپویر و بس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

باورز و برادنس (۲۰۰۶)، ارتباط را شامل انتقال و درک اطلاعات میان گیرنده و فرستنده پیام می‌دانند. به اعتقاد آنها پیام در صورتی صحیح از طریق فرستنده به گیرنده منتقل می‌شود که فرستنده در انتقال پیام دقت کند و پیام را به درستی انتقال دهد. هم چنین ارتباط رابطه دو طرفه‌ای بین گیرنده و فرستنده پیام ایجاد می‌کند و طرفین باید برداشت‌های مشابهی از ارتباط داشته باشند.

اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده یا طرح‌واره ارتباط خانواده، ساختار علمی از دنیای

1. cohort effect
2. Freeman
3. Jones
4. Lepoivre & Beth

ظاهری خانواده است که بر اساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و این که اعضا چه چیز به یکدیگر می‌گویند و چه کار انجام می‌دهند و این که چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (فیتز پاتریک و کوئرر، ۲۰۰۴). پژوهش‌ها در حوزه ارتباط‌های خانوادگی نشان می‌دهند نحوه ارتباط‌های بین اعضای خانواده در هنگام تبادل اطلاعات بین آنان، تاثیر بسزایی در بازخوردها و رفتارهای فرزندان دارد (سپهری و مظاهری، ۱۳۸۸). هنگامی که خانواده‌ها سالم اند، اعضا پیام یکدیگر را که بعضاً "حاوی نکات ظریف و واضح و بدیهی هستند، می‌گیرند. در خانواده‌های ناسازگار غالباً سکوت در بین اعضای خانواده حکمفرما است، پیام‌ها ارسال می‌شوند اما به ندرت با اشتیاق دریافت می‌گردند (گلادینگ، ۱۹۹۳). خانواده یا محیط خانه به عنوان یک عامل مهم در اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان و یک عامل کلیدی موثر بر نگرش و رفتارهای آنها شناخته می‌شود. بنابر این جو ارتباطی خانواده نقش عمده‌ای در رشد و پرورش ویژگیهای شخصیتی کودکان و نوجوانان و رفتارهای شان بازی می‌کند (هانگ، ۱۹۹۹). رفتار ارتباطی خانواده و اعتقادات خانواده در مورد این که اعضای خانواده باید چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند با شکل‌گیری الگوهای ارتباطی خانواده بسیار مرتبط است. الگوهای ارتباط خانواده توسط انواعی از الگوهای قابل مشاهده مشخص می‌شوند (فیتز پاتریک و کرر، ۲۰۰۲). یک مدل رایج که برای بررسی الگوهای ارتباطی خانواده استفاده می‌شود، جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی<sup>۶</sup> است (فیتز پاتریک و ریچی، ۱۹۹۰). در خانواده‌هایی که دارای گفت و شنود زیاد هستند، اعضای آن به طور آزادانه، فراوان و خودانگیخته با یکدیگر تعامل دارند. آنها زمان زیادی را صرف تعاملات می‌کنند و در مورد دامنه وسیعی از موضوعات بحث می‌کنند (فیتز پاتریک، ۲۰۰۴). در حالی که در خانواده‌هایی با جهت‌گیری همنوایی، از فرزندان انتظار می‌رود عقاید و احساساتشان را فرو نشانند و از تلقینات والدینشان پیروی کرده و با آنان همنوایی کنند. برنامه‌های خود را متناسب با نیاز خانواده هماهنگ کنند و اول به خانواده رسیدگی کنند (فیتز پاتریک و کرر، ۲۰۰۲). پژوهش هلسن، ولبرگ و میوس<sup>۸</sup> (۲۰۰۳) اذعان می‌دارد که حمایت والدین، بهترین پیش‌بینی‌کننده منفی مشکلات عاطفی در نوجوانان و جوانان قلمداد می‌شود و حمایت والدین از مشخصه‌های خانواده‌ها با گفت و شنود بالا است. ذکر موارد فوق اهمیت پژوهش درباره تماشاگر خیالی و افسانه شخصی را به خصوص در رابطه با فاکتورهای خطر پذیری در نوجوانان، آشکار می‌سازد. زیرا احساس شکست نا

1. Fitzpatrick & Koerner
2. Glading
3. Hung
4. Family communication patterns.
5. Conversation
6. Conformity
7. Ritchie
8. Helsen, Vollebergh & Meeus.

پذیری (افسانه شخصی) ممکن است شخص را در ارتکاب رفتارهای خطرناک که می‌تواند پیامدهای مثبت یا منفی به همراه داشته باشد تشویق کند. در این پژوهش، پژوهشگر سعی دارد رابطه تماشاگر خیالی و افسانه شخصی را با ابعاد الگوهای ارتباط خانواده بررسی کند که همان گونه که قبلاً اشاره شد فاکتور بسیار مهم و تاثیرگذار در زندگی نوجوانان می‌باشد.

## روش

مطالعه حاضر از نظر نوع توصیفی و از نظر روش یک پژوهش همبستگی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان دختر و پسر متوسطه شهر اصفهان در بهار سال ۱۳۹۲ تشکیل داده‌اند. بر اساس اطلاعات سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان، تعداد کل دانش آموزان دختر و پسر متوسطه شهر اصفهان در دوره زمانی پژوهش ۱۶۴۳۶ نفر بود. که شامل ۸۷۵۶ دختر و ۷۶۸۰ پسر بوده است.

از جامعه آماری مورد نظر، بر اساس جدول تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری، ۴۵۰ نفر به عنوان نمونه برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند (حسن زاده، ۱۳۸۱). ۴۰۰ نفر نمونه پژوهش از طریق نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. نمونه‌گیری مورد نظر به این ترتیب بود که ابتدا از شش ناحیه آموزش و پرورش دو ناحیه (نواحی ۲ و ۴) انتخاب شدند و سپس از هر یک از این نواحی نیز ۴ مدرسه (دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه) انتخاب و از هر یک از این مدارس بین ۳۰ تا ۵۰ نفر انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ۲۱ پرسشنامه (معادل ۵/۲ درصد) به دلیل نقص در پاسخ‌گویی از پژوهش کنار گذاشته شدند، لذا گروه نمونه پژوهش به ۳۷۹ نفر (۱۸۹ دانش آموز پسر و ۱۹۰ دانش آموز دختر) تقلیل یافت.

برای سنجش متغیرهای پژوهش از ابزارهای زیر استفاده به عمل آمد.

مقیاس تجدید نظر شده الگوهای ارتباط خانواده<sup>۱</sup>: برای سنجش الگوهای ارتباط خانواده از پرسشنامه معرفی شده توسط ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) که دارای بیست و شش سوال و دو خرده‌مقیاس به نام‌های گفت و شنود و هم‌نوایی و مقیاس پاسخگویی پنج‌درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) است، استفاده به عمل آمد. در این مقیاس شرکت‌کنندگان بیست و شش سوال که مربوط به شیوه ارتباط در خانواده است را می‌خوانند و مشخص می‌کنند که هر جمله تا چه حد در مورد آنها صدق می‌کند. فیتزپاتریک و کوئرتر (۲۰۰۲) پایایی ابزار را با میانگین آلفای کرونباخ ۰٫۸۶ در بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۰٫۷۹ در بعد جهت‌گیری هم‌نوایی گزارش کرده‌اند. کوروش‌نیا (۱۳۸۶) که نسخه‌ای از این مقیاس را ارائه نموده، روایی مطلوبی برای این پرسشنامه ارائه نموده و ضریب آلفای کرونباخ را برای جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوایی به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش کرده است. آلفای

کرونباخ دو خرده‌مقیاس این پرسشنامه در این پژوهش برای گفت و شنود و هم‌نوایی به ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۸۵ به دست آمد.

مقیاس جدید افسانه شخصی<sup>۱</sup> (NPFS): برای سنجش افسانه شخصی از مقیاس معرفی شده توسط لاپسلی (۱۹۸۹) که دارای چهل و شش سوال، و سه خرده‌مقیاس به نام‌های بی‌نظیر بودن، آسیب‌ناپذیری و قدرت مطلق و مقیاس پاسخگویی پنج‌درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) است، استفاده به عمل آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد بی‌نظیر بودن، آسیب‌ناپذیری و قدرت مطلق به ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۷۲ و ۰/۷۹ گزارش شده است (گوسن، ۲۰۰۲؛ وارتانیان، ۱۹۹۷). به دلیل عدم دسترسی به نسخه فارسی این پرسشنامه در این پژوهش از ترجمه نسخه اصلی آن، تحت نظر اساتید راهنما و مشاور، استفاده شد. روند ترجمه به این شکل بود که ابتدا ترجمه اولیه تخصصی انجام و سپس پرسشنامه ترجمه شده با پرسشنامه انگلیسی مورد تطابق تخصصی قرار گرفت. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای سه خرده‌مقیاس به نام‌های بی‌نظیر بودن، آسیب‌ناپذیری و قدرت مطلق برابر با ۰/۶۷ و ۰/۷۱ به دست آمد.

مقیاس جدید تماشاگر خیالی<sup>۲</sup> (NIAS): برای سنجش افسانه خیالی از مقیاس معرفی شده توسط لاپسلی (۱۹۸۹) که دارای سی و نه سوال و مقیاس پاسخگویی چهارگزینه‌ای لیکرت (۱=هرگز، ۴=خیلی اوقات) است، استفاده به عمل آمد. این پرسشنامه نشان می‌دهد که نوجوانان چه زمان‌هایی خیال‌پردازی در مورد خودشان و دیگران را انجام می‌دهند. لاپسلی (۱۹۸۹) آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲، گوسن (۲۰۰۲) آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ و وارتانیان<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ را برای این پرسشنامه گزارش نموده‌اند. به دلیل عدم دسترسی به نسخه فارسی این پرسشنامه در این پژوهش از ترجمه نسخه اصلی آن، تحت نظر اساتید راهنما و مشاور، استفاده شد. روند ترجمه به این شکل بود که ابتدا ترجمه اولیه تخصصی انجام و سپس پرسشنامه ترجمه شده با پرسشنامه انگلیسی مورد تطابق تخصصی قرار گرفت. در این پژوهش آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

### یافته‌ها

در جدول ۱، شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد) متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

1. New Personal Fable Scale
2. New Imaginary Audience Scale
3. Vartania.

## جدول ۱: شاخص های توصیفی گروه نمونه پژوهش در مولفه های متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	ابعاد متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	استاندارد
۱	الگوی روابط	گفت و شنود	۳/۴۵	۰/۶	۰/۰۳
۲	خانواده	همنوایی	۳/۰۹	۰/۷۷	۰/۰۴
۶		قدرت مطلق	۳/۱۸	۰/۵۶	۰/۰۳
۷	افسانه شخصی	آسیب ناپذیری	۳/۰۵	۰/۵۲	۰/۰۳
۸		منحصر به فرد بودن	۳/۴۸	۰/۶۷	۰/۰۳
	تماشاگر خیالی		۲/۶۲	۰/۵	۰/۰۲

چنان که در جدول ۱ مشاهده می شود، در مولفه های الگوهای روابط خانواده میانگین گفت و شنود برابر با ۳/۴۵ و میانگین همنوایی برابر با ۳/۰۹ می باشد. در مولفه های افسانه شخصی، میانگین قدرت مطلق برابر با ۳/۱۸، در آسیب ناپذیری میانگین برابر با ۳/۰۵ و در منحصر به فرد بودن میانگین برابر با ۳۲/۴۸ می باشد. در تماشاگر خیالی میانگین گروه نمونه برابر با ۲/۶۲ می باشد.

به منظور بررسی رابطه بین افسانه شخصی (قدرت مطلق، آسیب ناپذیری و منحصر به فرد بودن) با الگوی روابط خانوادگی (گفت و شنود و همنوایی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

## جدول ۲: رابطه بین مولفه های افسانه شخصی با الگوهای روابط خانوادگی

ردیف	مولفه های افسانه شخصی	گفت و شنود		همنوایی	
		P	r	P	r
۱	قدرت مطلق	۰/۲۵**	۰/۰۰۰	۰/۱۳*	۰/۰۱
۲	آسیب ناپذیری	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱
۳	منحصر به فرد بودن	-۰/۰۶	۰/۲۱	۰/۲۸**	۰/۰۰۰

چنان که در جدول ۲ مشاهده می شود، از بین کلیه مولفه های افسانه شخصی، فقط قدرت مطلق با گفت و شنود دارای همبستگی مثبت و معنادار ( $P > 0/01$ ) است، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین افسانه شخصی (قدرت مطلق، آسیب ناپذیری و منحصر به فرد بودن) با الگوی گفت و شنود رابطه (معنادار) وجود دارد، به این صورت مورد تایید قرار می گیرد که قدرت مطلق با گفت و شنود دارای همبستگی مثبت و معنادار است. از بین کلیه مولفه های افسانه شخصی، فقط قدرت مطلق و منحصر به فرد بودن با همنوایی دارای همبستگی مثبت و معنادار ( $P > 0/05$ ) هستند، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین افسانه شخصی (قدرت مطلق، آسیب ناپذیری و منحصر به فرد بودن) با الگوی همنوایی رابطه (معنادار) وجود دارد، به این صورت مورد تایید قرار می گیرد که قدرت مطلق و منحصر به فرد بودن با همنوایی دارای همبستگی مثبت و معنادار هستند.



به منظور بررسی رابطه بین تماشاگر خیالی با الگوی روابط خانوادگی (گفت و شنود و همنوایی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: رابطه بین تماشاگر خیالی با الگوهای روابط خانوادگی

گفت و شنود	همنوایی		تماشاگر خیالی	$\hat{r}$
	P	r		
گفت و شنود	۰/۰۰۰	۰/۲۲**	تماشاگر خیالی	۱
همنوایی	۰/۰۰۱	۰/۱۷**	تماشاگر خیالی	

چنان که در جدول ۳ مشاهده می شود، تماشاگر خیالی با گفت و شنود دارای همبستگی مثبت و معنادار ( $P > ۰/۰۱$ ) است، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین تماشاگر خیالی با الگوی گفت و شنود رابطه (معنادار) وجود دارد، مورد تایید قرار می گیرد. همان گونه که ملاحظه می شود، تماشاگر خیالی با بعد همنوایی نیز دارای همبستگی مثبت و معنادار ( $P > ۰/۰۱$ ) است، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین تماشاگر خیالی با الگوی همنوایی رابطه (معنادار) وجود دارد، مورد تایید قرار می گیرد.

جهت بررسی نقش پیش بینی کنندگی متغیرهای پیش بین (تماشاگر خیالی و قدرت مطلق)، در بعد گفت و شنود از تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: پیش بینی الگوهای گفت و شنود از طریق متغیرهای پیش بین پژوهش

گام	متغیرهای پیش بین	B	SE	$\beta$	t	P	R	$R^2$	F
۱	مقدار ثابت	۲/۵۹	۰/۱۷	-	۱۵/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳	۰/۰۶۴	۲۵/۸۱**
	قدرت مطلق	۰/۲۷	۰/۰۵	۰/۲۵	۵/۰۸	۰/۰۰۰			
	مقدار ثابت	۲/۹۴	۰/۱۹	-	۱۵/۱۷	۰/۰۰۰			
۲	قدرت مطلق	۰/۳۶	۰/۰۶	۰/۳۳	۶/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۳۱۲	۰/۰۹۷	۲۰/۲۴**
	منحصر به فرد بودن	-۰/۱۸	۰/۰۵	-۰/۲	-۳/۷۱	۰/۰۰۰			
	مقدار ثابت	۲/۶۱	۰/۲۱	-	۱۲/۵۲	۰/۰۰۰			
۳	قدرت مطلق	۰/۳	۰/۰۶	۰/۲۸	۵/۲	۰/۰۰۰	۰/۳۶۲	۰/۱۳۱	۱۸/۸۶**
	منحصر به فرد بودن	-۰/۲۲	۰/۰۵	-۰/۲۴	-۴/۴۸	۰/۰۰۰			
	تماشاگر خیالی	۰/۲۴	۰/۰۶	۰/۲	۳/۸۲	۰/۰۲			

\*\* $p > ۰/۰۱$

چنان که در جدول ۴ مشاهده می شود، در گام اول قدرت مطلق از مولفه های افسانه شخصی ( $\beta = ۰/۲۵, p > ۰/۰۱$ ) پیش بینی کننده الگوهای گفت و شنود بوده است. در گام دوم، منحصر

به فرد بودن ( $\beta = -0.2, p > 0.01$ ) در کنار قدرت مطلق ( $\beta = 0.33, p > 0.01$ ) افزوده شده و ۳/۳ درصد واریانس انحصاری افزوده برای پیش بینی الگوهای گفت و شنود فراهم ساخته است. بالاخره در گام سوم تماشاگر خیالی ( $\beta = 0.2, p > 0.01$ ) در کنار قدرت مطلق ( $\beta > 0.01$ )، ( $\beta = 0.3$ ) و منحصر به فرد بودن ( $\beta = 0.25, p > 0.01$ ) افزوده شده و ۳/۴ درصد واریانس انحصاری افزوده برای پیش بینی الگوهای گفت و شنود فراهم ساخته است. بر این اساس فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین افسانه شخصی (قدرت مطلق، آسیب ناپذیری و منحصر به فرد بودن) و تماشاگر خیالی با الگوهای گفت و شنود رابطه ترکیبی (معنادار) وجود دارد، به این صورت مورد تایید قرار می گیرد که طی سه گام متوالی قدرت مطلق و منحصر به فرد بودن از مولفه های افسانه شخصی و تماشاگر خیالی پیش بینی کننده الگوهای گفت و شنود بوده اند. جهت بررسی نقش پیش بینی کنندگی متغیرهای پیش بین (تماشاگر خیالی و قدرت مطلق)، در بعد همنوایی از تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: پیش بینی الگوهای همنوایی از طریق متغیرهای پیش بین پژوهش

گام	متغیرهای پیش بین	B	SE	$\beta$	t	P	R	R <sup>2</sup>	F
۱	مقدار ثابت	۱/۹۵	۰/۲	-	۹/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۸۵	۰/۰۸۱	۳۳/۳۳**
	منحصر به فرد بودن	۰/۳۳	۰/۰۶	۰/۲۸	۵/۷۷	۰/۰۰۰			

$p > 0.01$ \*\*

چنان که در جدول ۵ مشاهده می شود، طی یک گام منحصر به فرد بودن از مولفه های افسانه شخصی ( $\beta = 0.25, p > 0.01$ ) پیش بینی کننده الگوهای همنوایی بوده است. بر این اساس فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین افسانه شخصی (قدرت مطلق، آسیب ناپذیری و منحصر به فرد بودن) و تماشاگر خیالی با الگوهای همنوایی رابطه ترکیبی (معنادار) وجود دارد، به این صورت مورد تایید قرار می گیرد که طی یک گام منحصر به فرد بودن از مولفه های افسانه شخصی پیش بینی کننده الگوهای همنوایی بوده است.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از اجرای این پژوهش، تعیین رابطه تماشاگر خیالی و خود افسانه ای با الگوهای ارتباط خانواده بوده است. نتایج نشان می دهد همان طور که در فرضیه تحقیق پیش بینی می شد، در خصوص رابطه افسانه شخصی با الگوهای ارتباط خانواده، بین قدرت مطلق از زیر مولفه های افسانه شخصی، با الگوی ارتباطی گفت و شنود رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. در نتایج تحلیل رگرسیون، مبنی بر این که بین افسانه شخصی (قدرت مطلق، آسیب ناپذیری و منحصر به فرد بودن) و تماشاگر خیالی با الگوهای گفت و شنود رابطه ترکیبی (معنادار) وجود دارد، طی سه گام متوالی قدرت مطلق و منحصر به فرد بودن از مولفه های افسانه شخصی و تماشاگر

خیالی پیش‌بینی‌کننده‌های الگوهای گفت و شنود بوده‌اند.

از نظر پیشینه تحقیقاتی این یافته تاییدی بر تعداد زیادی از مطالعاتی است که با استفاده از سازه‌های مشابه، این رابطه را بررسی نموده‌اند. به طوری که تحقیقات نشان‌دهنده رابطه مثبت قدرت مطلق با نتایج انطباق مثبت، سلطه، کنار آمدن و سازگاری است (آلسما و همکاران، ۲۰۰۶) و هم چنین نمرات بیشتر در قدرت مطلق با کمترین میزان افسردگی و احساس تنهایی در ارتباط است (گوسن و همکاران، ۲۰۰۲). از جهتی تحقیقات نشان‌دهنده رابطه منفی جهت‌گیری گفت و شنود با اضطراب (گودی کانتست و نیشیدا، ۲۰۰۱؛ کوروش نیا، ۱۳۸۵)، افسردگی (کوروش نیا، ۱۳۸۵) هراس از ارتباطات (الوود و اشراذر، ۱۹۹۸) و رابطه مثبت آن با حرمت خود (هوانگ، ۱۹۹۹)، خود کارآمدی (تجلی و اردلان، ۱۳۸۹) می‌باشند و هم چنین پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنا دار سلامت جسمی است (رحیمی و محمد خیر، ۱۳۸۶). در سطح نظری یافته مذکور از طریق تحلیل ساختار خانواده‌های با جهت‌گیری گفت و شنود، نیز قابل توجیه است. جهت‌گیری گفت و شنود به این معنا است که خانواده‌ها تا چه حد شرایطی را به وجود می‌آورند که در آن اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره گستره وسیعی از موضوعات بدون محدودیت زمانی شوند. در این محیط نسبتاً آزاد، نه تنها فرزندان در معرض مسایل چالش‌انگیز قرار می‌گیرند، بلکه تشویق به کشف باورهای جدید و تصمیم‌گیری بدون ترس می‌شوند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴) و از رویارویی با مسایل چالش‌انگیز نمی‌هراسند و قدرت انطباق، سازگاری، تاب‌آوری و عملکرد موثرتری خواهند داشت. وجود این شرایط احساس توانایی مهار عوامل بیرونی و درونی را در نوجوان ایجاد می‌کند و این احساس سبب افزایش خود کارآمدی نوجوان شده و به او احساس قدرت می‌دهد. فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین افسانه شخصی با الگوی هم‌نوایی رابطه معنا دار وجود دارد، به این صورت تایید شد که قدرت مطلق و منحصر به فرد بودن با الگوی هم‌نوایی دارای همبستگی مثبت و معنا دار است. نتایج حاصل از پژوهش آلسما و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که منحصر به فرد بودن پیش‌بینی‌کننده قوی برای حالات افسردگی و عقاید خود کشی بود. هم چنین این یافته تاییدی بر تعداد زیادی از مطالعات است که با استفاده از سازه‌های مشابه این رابطه را بررسی کرده‌اند. به طوری که تحقیقات نشان‌دهنده رابطه مثبت جهت‌گیری هم‌نوایی با اضطراب (کوروش نیا، ۱۳۸۵)، افسردگی (کرتتر-اسمیت و همکاران، ۱۹۹۵؛ کوروش نیا، ۱۳۸۵) و رابطه منفی آن با حرمت خود (هوانگ، ۱۹۹۹) کیفیت زندگی (رحیمی و محمد خیر، ۱۳۸۶) است.

این یافته از لحاظ نظری این گونه توجیه می‌شود که جهت‌گیری هم‌نوایی به این معنا است که ارتباطات خانواده تا چه حد بر همسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید، اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل اعضای خانواده تاکید دارند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). بنابر این اختلاف نظر و تعارض با والدین می‌تواند مشکلات روان‌شناختی را به فرد تحمیل کند. در این خانواده‌ها ارتباطات بین دو نسل نشان‌دهنده حرف‌شنوی از والدین و دیگر بزرگسالان است. در این خصوص به اعتقاد هارتر (۱۹۹۰) در مواردی که خانواده نوجوان را به صورت مشروط می‌پذیرد

که اغلب این شرط، اطاعت نوجوان از خواسته های والدین می باشد، خود کاذب نوجوان بر خود واقعی او غالب می شود و نوجوان به گونه ای رفتار می کند که والدین از او انتظار دارند و به همین دلیل ممکن است نوجوان احساس کند، هیچ کس نمی تواند او را درک کند و دچار احساس منحصر به فرد بودن شده و در معرض ابتلا به مشکلات روانی و سازگاری نیز قرار می گیرد. در فرضیه پژوهش بین قدرت مطلق و الگوی همنوایی نیز وجود همبستگی مثبت و معنادار تایید می شود. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش هایی که در بالا ذکر شد، ناهمسو است. با توجه به جدول ۱ مشاهده می شود که رابطه موجود بین منحصر به فرد بودن و الگوی همنوایی بیشتر از رابطه موجود بین قدرت مطلق و الگوی همنوایی است و در نتایج تحلیل رگرسیون نیز، طی یک گام منحصر به فرد بودن پیش بینی کننده الگوی همنوایی بوده است. نتایج حاصل از پژوهش رابطه موجود بین تماشاگر خیالی با هر دو الگوی ارتباط خانواده یعنی الگوی گفت و شنود (فرضیه ۳-۱) و الگوی همنوایی (فرضیه ۳-۲) را تایید کرد. این نتایج با نتایج فریمن (۲۰۰۲) که بیان می کند حمایت والدین در تعدیل رفتار تماشاگر خیالی بسیار مهم است چرا که هر دو سبک مصاحبت و عدم پذیرش - کنترل با افزایش نمره های تماشاگر خیالی در ارتباط است، همسو است. همانطور که در ادبیات پژوهش به این الگوها اشاره شد، اعضای خانواده هایی که دارای گفت و شنود زیاد هستند، آزادانه به طور مکرر و خود انگیزه با یکدیگر تعامل می کنند. والدین چنین خانواده هایی ارتباط مکرر خود با فرزندان را وسیله مهمی برای تربیت و اجتماعی کردن آنها می دانند و در واقع در این گونه خانواده ها پذیرش عقاید و افکار فرزندان از سوی والدین بالا است و والدین حمایت گر هستند. آنولیک (۱۹۸۱) بیان کرد، حمایت محدود والدین در خانواده ممکن است در درک نگرش واقعی دیگران توسط نوجوان ایجاد مشکل کرده در نتیجه باعث بالا رفتن حالت خود محوری در موقعیت های اجتماعی می شود. او دریافت، رفتار تماشاگر خیالی در مردان متخلف در مقایسه با غیر متخلف بیشتر باقی می ماند. او علت این امر را به کم بودن حمایت والدین، نسبت داد. آدامز و جونز (۱۹۸۲) دریافتند عدم پذیرش و کنترل توسط والدین با بالا رفتن رفتار تماشاگر خیالی در ارتباط است. در صورتی که بیان عواطف به صورت فیزیکی به طور منفی با خود آگاهی در ارتباط است. ریلی و همکاران (۱۹۸۴) نشان دادند، والدین حمایت گر و هیجان پذیر، احتمال بالا بودن حالت خود آگاهی در اوایل نوجوانی را کاهش می دهند. انتظار می رفت بر اساس نتایج پژوهش های ذکر شده تماشاگر خیالی با الگوی گفت و شنود همبستگی منفی داشته باشد ولی نتایج حاصل از پژوهش وجود همبستگی مثبت و معنادار را بین تماشاگر خیالی و الگوی گفت و شنود تایید کرد. هم چنین بر اساس نتایج پژوهش، طی سه گام متوالی تماشاگر خیالی به همراه قدرت مطلق و منحصر به فرد بودن پیش بینی کننده الگوهای گفت و شنود بود. شاید این گونه بتوانیم توجه کنیم که نمونه پژوهش ما را نوجوانان دبیرستانی تشکیل می دهند و رفتار تماشاگر خیالی در اوایل نوجوانی بالا است. محققین مختلف بر سر این موضوع که در صورت روابط ایمن والدین، نمرات تماشاگر خیالی در اواخر نوجوانی کاهش می یابد،

توافق دارند (لاپسلی، ۱۹۹۳؛ آنولیک، ۱۹۸۱؛ ریلی و همکاران، ۱۹۸۴؛ ریان و کوزکوسکی، ۱۹۹۴). وجود همبستگی مثبت و معنادار بین تماشاگر خیالی و الگوی همنوایی مورد انتظار بود. به دلیل این که خانواده‌هایی با همنوایی زیاد در تعاملات خود بر همسانی عقاید و نگرش‌ها تاکید دارند. تعاملات آنها بر همنوایی، اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل خانواده به هم، تکیه دارد. در این خانواده‌ها از والدین انتظار می‌رود تا در مورد خانواده تصمیم بگیرند. از فرزندان انتظار می‌رود تا مطابق میل والدین شان عمل کنند. در واقع در چنین خانواده‌هایی عدم پذیرش - کنترل وجود دارد که در پژوهش‌های گذشته با افزایش تماشاگر خیالی در ارتباط بود و این نتیجه با نتایج (آدامز و جونز، ۱۹۸۲؛ ریلی و همکاران، ۱۹۸۴؛ آنولیک، ۱۹۸۱) همسو است. از آنجایی که اعتبار هر تحقیق منوط به گستردگی دامنه مورد تحقیق است. لذا یکی از محدودیت‌های تحقیق حاضر اجرای آن در شهر اصفهان بوده که در تعمیم نتایج آن در شهرها و مناطق دیگر باید با احتیاط عمل شود. این پژوهش بر روی نوجوانان مقطع دبیرستان انجام شد، در آینده پیشنهاد می‌شود این تحقیق بر روی نوجوانانی که در اواخر دوران نوجوانی هستند نیز انجام شود. در این پژوهش رابطه تماشاگر خیالی و افسانه شخصی با ابعاد الگوهای خانواده بررسی شد، پیشنهاد می‌شود در آینده رابطه این متغیرها با چهار الگوی ارتباط خانواده (خانواده‌های توافق‌کننده، خانواده‌های کثرت‌گرا، خانواده‌های حفظ‌کننده و خانواده‌های به حال خود واگذارنده) که حاصل ترکیب این دو بعد هستند، بررسی شود. همان‌گونه که ملاحظه گردید براساس نتایج پژوهش حاضر منحصر به فرد بودن به عنوان پیش‌بینی‌کننده قوی برای الگوهای همنوایی محسوب شد (فرضیه ۵-۲) و قدرت مطلق با الگوی گفت و شنود رابطه مثبت و معنادار داشت (فرضیه ۱-۱)، بر این اساس پیشنهاد می‌شود الگوهای ارتباط خانواده در کلینیک‌ها و مدارس به والدین آموزش داده شود.

## منابع

- اشتاین برگ، لانرس (۱۳۸۷)، سال های شیرین نوجوانی، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: نشر دایره
- تجلی، فاطمه و اردلان، الهام (۱۳۸۹)، رابطه ابعاد الگوهای ارتباط خانواده با خود کارآمدی و سازگاری تحصیلی، مجله روان شناسی، ۵۳، سال چهاردهم، شماره: ۱، صص: ۶۲-۷۸
- رحیمی، مهدی و خیر، محمد (۱۳۸۶)، رابطه الگوهای ارتباط خانواده و کیفیت زندگی در دانش آموزان متوسطه شهر شیراز، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، دوره دهم، شماره: ۱
- سپهری، صفورا و مظاهری، محمد علی (۱۳۸۸)، الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر های شخصیتی در دانشجویان، مجله روان شناسی تحولی: روان شناسی ایرانی، سال ششم، شماره: ۲۲
- کوروش نیا، مریم (۱۳۸۵)، تاثیر ابعاد الگوهای ارتباط خانواده بر سازگاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، بخش روان شناسی تربیتی دانشگاه شیراز.
- گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۶)، خانواده درمانی (تاریخچه، نظریه، کاربرد)، ترجمه فرشاد بهاری و دیگران، تهران: انتشارات تزکیه
- منصور، محمد (۱۳۸۷)، روان شناسی ژنتیک، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها. انتشارات: سمت، چاپ نهم

- AALSMA, C. Lapsly, D., & Flannery. (2006). Personal Fables, Narcissism, and Adolescent Adjustment. *Psychology in the Schools*, 43(4).
- Adams, G. R., & Jones, R. M. (1982). Adolescent egocentrism: Exploration into possible contributions of parent-child relations. *Journal of Youth and Adolescence*, 11(1), 25-31.
- Albert, A. Elkind, D. Ginsberg, S. (2007). The Personal Fable and Risk-Taking in Early Adolescence. *J Youth Adolescence*, 36:71-76
- Anolik, S. A. (1981). Imaginary audience behavior and perceptions of parents among delinquent and nondelinquent adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 10(6), 443-454
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55, 469-480
- Elkind, D. (1967). Egocentrism in adolescence. *Child Development*, 38(4), 1025-1034.
- Elkind, E., & Bowen, R (1979). Imaginary audience behavior in children and adolescents. *Developmental Psychology*, 15(1), 38-44.
- Elwood, T. D., & Schrader, D. C. (1998). Family communication patterns and communication apprehension. *Journal of Social Behavior and Personality*, 13 (3), 493-502.
- Fitzpatrick, M. A. & Caughlin, J. P. (2002). Intrapersonal communication in family relationships. In M. L. Knapp & J. A. Daly (Eds.), *Handbook of interpersonal communication* (3<sup>rd</sup> ed.), pp. 726-777
- Fitzpatrick MA. (2004). The family communication patterns theory: Observations on its development and application. *J Fam Commun.* (4):167-79.
- Forthun, Larry (2001). structural family therapy. Internet. As: psu/academics/structural notes. htm.

- Freeman, George M., (2002). "Defining Imaginary Audience Scores Via Gender Attributes Versus Biological Gender. UNF Theses and Dissertations. Paper 173.
- Galanaky, E. (2012). The Imaginary Audience and the Personal Fable: A Test of Elkind's Theory of Adolescent Egocentrism. *Psychology*, Vol.3, No.6, 457-466
- Gudykunst, W. B., & Nishida, T. (2001). Cultural variability in communication: An introduction. *Communication Research*, 24, 327-348.
- Goossens, L., Beyers, W., Emmen, M., & van Aken, M.A.G. (2002). The imaginary audience and personal fable: Factor analyses and concurrent validity of the "new look" measures. *Journal of Research on Adolescence*, 12, 193-215
- Helesen, M., Vollebergh, W., & Meeus, W. (2003). Social support from parents and friends and emotional problems in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 29(3), 319-335.
- Huang LN. (1999). Family communication patterns and personality characteristics. *Communication Quarter*. (47):230-43
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies*, 48, 59-78.
- Koerner AF, Fitzpatrick MA. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication Theory*. (12):70-91.
- Koerner AF, Fitzpatrick MA. (2002). You never leave your family in a fight: The impact of families of origins on conflict-behavior in romantic relationships. *Communication Studies*. (53):234-51
- Kroger, J. (1998). Adolescence a second separation-individuation process. *Personality development in adolescence: A cross-national and life span perspective* 172-192
- Lapsley, D. K. (1993). Toward an integrated theory of adolescent ego development: The "new look" at adolescent egocentrism. *American Journal of Orthopsychiatry*, 63(4), 562-571.
- Lapsley, D. K., & Murphy, M. N. (1985). Another look at the theoretical assumptions of adolescent egocentrism. *Developmental Review*, 5, 201-217.
- Lapsley, D.K., & Rice, K. (1988). The "new look" at the imaginary audience and personal fable: Toward an integrated model of adolescent ego development. In D.K. Lapsley & F.C. Power (Eds.), *Self, ego, identity: Integrative approaches* (pp. 109-129). New York: Springer
- Lapsley, D. K., Fitzgerald, D. P., Rice, K. G., & Jackson, S. (1989). Separation-individuation and the "new look" at the imaginary audience and personal fable: A test of an integrative model. *Journal of Adolescent Research*, 4(4), 483-505
- Lepoivre, Beth A. (2006). *Family communication: nurturing and control in changing world*. Sage publications, Inc. California.
- Riley, T., Adams, G. R., & Nielsen, E. (1984). Adolescent egocentrism: The association among imaginary audience behavior, cognitive development, and parental support and rejection. *Journal of Youth and Adolescence*, 13(5), 401-417.
- Ritchie LD, Fitzpatrick MA. (1990). Family communication patterns: Measuring intrapersonal perceptions of interpersonal relationships. *Communication Res*. (17):523-44.
- Ryan, R., & Kuczowski, R. (1994). The Imaginary Audience, Self-Consciousness, and Public Individuation In Adolescence. *Journal of Personality* 62:2
- Vartanian, L. R. (2000). Revisiting the imaginary audience and personal fable constructs. adolescent egocentrism: a conceptual review. *Adolescence*, 35(140), 639-661

